زندانیان فراری زندان لاهیجان دستگیر شدند

فرهیختگان| پنج زندانی که از زندان لاهیجان فرار کرده بودند دستگیر شدند. ساعت ۹ صبح دیروز ماموران زندان لاهیجان متوجه فرار پنج زندانی از زندان این شهر شدند. پس از اعلام موضوع فرار زندانیان به پلیس، جانشین پلیس استان به شهر لاهیجان اعزام شد و تیم‌های پلیس آگاهی، پیشگیری و اطلاعات تحقیقات در این زمینه را آغاز کردند. شورای تامین شهرستان نیز برای بررسی موضوع تشکیل شد و با همکاری دستگاه قضایی و مسئولان زندان در کمتر از ۱۲ ساعت زندانیان فراری در سطح استان شناسایی و دستگیر شدند. یک نفر از این زندانیان محکوم به قصاص و بقیه سارق به عنف بودند. تحقیقات درباره شناسایی همدستان احتمالی این زندانیان در فرار ادامه دارد.

محکمه

قتل برادر معتاد مقابل چشمان دختر قربانی

فرهیختگان| مرد معتاد وقتی برای چندمین بار دچار توهم شیشه شد، از سوی پدر و دو برادرش مقابل چشمان دختر نوجوانش کشته و جنازه‌اش در محل بازیافت زباله‌ها رها شد.

دختر نوجوان قربانی دیروز پای میز محاکمه برای پدربزرگ و عموهایش اشد مجازات خواست.

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست امین مقدم‌زهرا و با حضور دو مستشار تشکیل شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند. او گفت: «اصغر ۲۸ ساله متهم است ششم اردیبهشت ۹۲ با همدستی برادر ۲۶ ساله‌اش امیر و پدر ۶۱ ساله‌اش جهانبین، برادر معتادش به نام اکبر را در خانه‌شان در خیابان هاشمی تهران کشته و جنازه آن را در محل بازیافت زباله‌های در شورآباد قم رها کرده است. اکنون با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده برای متهمان اشد مجازات می‌خواهم.» سپس دختر ۱۴ ساله قربانی که شاهد جنایت بود در جایگاه ویژه ایستاد و برای پدربزرگ و عموهایش حکم قصاص خواست. این دختر گفت: «پدرم تحت تاثیر مصرف شیشه بود، اما یکباره پدربزرگ و عموهایم به او حمله کردند و او را بی‌رحمانه کتک زدند تا اینکه پدرم بیهوش شد.» سپس اصغر پشت تریبون دفاع ایستاد و قتل برادرش را گردن گرفت. این مرد گفت: «اکبر ۱۰ سال بود که به دام اعتیاد افتاده بود. ما تلاش زیادی کردیم تا او را ترک دهیم اما موفق نشدیم. دختر برادرم که حالا برای ما تقاضای قصاص کرده در آغوش ما بزرگ شده و ما برایش پدری کرده‌ایم. ما قصد کشتن برادرم را نداشتیم.» او در تشریح جزئیات ماجرا گفت: «آن روز برادرم بار دیگر تحت تاثیر مصرف شیشه دچار توهم شده بود. او می‌گفت ما جن هستیم و قصد داریم به او آسیب بزنیم. برادرم به روی ما چاقو کشید و من هم برای آرام کردن او دست و پایش را با طناب بستم. برادرم تقلا می‌کرد که گردنش را با دست گرفتم اما یکباره صورت برادرم کبود شد. من ترسیدم و او را رها کردم اما کار از کار گذشته بود. در این ماجرا پدر و برادرم هیچ نقشی نداشتند. من فقط با کمک آنها جنازه را به شورآباد بردم و آنجا رها کردم.»

متهمان در حال بازسازی صحنه جرم

او افزود: «من هرگز قصد کشتن برادرم را نداشتم و راضی به مرگ او نبودم.» سپس جهانبین و امیر که با قرار وثیقه آزاد هستند یک به یک در جایگاه ویژه ایستادند و منکر شرکت در قتل شدند. در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

متهم در دادگاه ادعای مهدورالدم بودن قربانی را مطرح کرد

قتل آزاردهنده دختر خردسال

فروغ طباطبایی
F.tabatabaei@fdn.ir

مرد جوان وقتی فهمید دختر خردسالش از سوی یک پسر مورد آزار قرار گرفته است، طبق نقشه‌ای از پیش طراحی شده او را به زیرزمین یک تعمیرگاه کشاند و کشت.

این مرد دیروز پای میز محاکمه گفت: «او را کشتم تا دختربچه دیگری قربانی جنایت سیاه او نشود.»

محمد ۴۲ ساله بیست و نهم شهریور ۹۳ مجتبی ۳۷ ساله را کشت و جنازه او را که داخل صندوق عقب خودرویش جاسازی کرده بود، به آتش کشید.

این مرد دیروز در حالی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست محمدباقر قربان‌زاده و با حضور دو مستشار پای میز محاکمه ایستاد که مادر قربانی برای وی حکم قصاص خواست.

قرار است به زودی هیات قضایی درباره این پرونده اظهارنظر کند.

متهم در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: او را کشتم تا بچه دیگری قربانی نشود

قبل از بازداشت شغلت چه بود؟

من با یک وانت نیسان به شهرستان‌های اطراف تهران سبزی می‌بردم و بیشتر وقتم را در جاده بودم.

چقدر درس خوانده‌ای؟

تا دوم دبیرستان.

چند فرزند داری؟

پسرم حالا در سال دوم دبیرستان درس می‌خواند و دخترم ۸ ساله است.

چطور از ماجرا مطلع شدی؟

من از شهرستان اراک به خانه برگشتم و دیدم دخترم دنیا ناراحت است. وقتی علتش را پرسیدم سکوت کرد تا اینکه او را در آغوش گرفتم و از او خواستم علت ناراحتی‌اش را برایم بگوید. او هم گفت که دو روز پیش مجتبی که سر کوچه‌مان بقالی داشت او را به دخمه‌ای در پشت مغازه‌اش برده و آزار داده است.

عکس: فرهیختگان

همسرت از این ماجرا مطلع نبود؟

دخترم همان روز ماجرا را به مادرش گفته بود. اما همسرم از ترسش در این‌باره چیزی به من نگفته بود تا اینکه من از شهرستان به تهران آمدم.

چطور با قربانی قرار گذاشتی؟

من از شنیدن این ماجرا شوکه شده بودم. دو شبانه روز نخوابیدم و فقط درباره این موضوع فکر کردم. سپس از برادرم که صاحب یک تعمیرگاه است و با مجتبی دوست بود خواستم او را به بهانه آوردن بادکنک و وسایل تزئینی برای برگزاری جشن تولد دخترم به تعمیرگاهش دعوت کند. وقتی مجتبی به تعمیرگاه آمد برادرم را از مغازه به بیرون فرستادم و مجتبی را به زیرزمین تعمیرگاه بردم.

> من با قانون آشنایی نداشتم. فکر می‌کردم اگر شکایت کنم چندین ماه طول می‌کشد تا شکایتم به نتیجه برسد. مجتبی قبل از این ماجرا هم تعداد زیادی دختر و پسر را آزار داده بود

از ماجرای قتل بگو.

من از مجتبی پرسیدم چرا دست به چنین کاری زده است اما او جواب قانع‌کننده‌ای به من نداد. او حتی عذرخواهی هم نکرد و با مشت به صورتم کوبید تا از دست من خلاص شود و بیرون برود، اما من گردن او را گرفتم و او را کف زیرزمین خواباندم. چند قرص خواب‌آور که از قبل تهیه کرده بودم داخل یک لیوان آب ریختم و به او خوراندم تا بی‌حال شد. بعد او را با دستانم خفه کردم.

با جنازه چه کردی؟

آن را داخل صندوق عقب ماشین مجتبی جاساز کردم و به بیابان‌های ری بردم و به آتش کشیدم.

چرا بعد از قتل، خودت را به پلیس معرفی نکردی؟

در آن شرایط نمی‌خواستم همسر و فرزندانم را تنها بگذارم. وانتم را هم قسطی خریده بودم و می‌خواستم اقساط آن را بپردازم، سپس خودم را معرفی کنم اما ۴۰ روز بعد از قتل پلیس مرا بازداشت کرد.

چرا به فکر شکایت از مجتبی نیفتادی؟

من با قانون آشنایی نداشتم. فکر می‌کردم اگر شکایت کنم چندین ماه طول می‌کشد تا شکایتم به نتیجه برسد. مجتبی قبل از این ماجرا هم تعداد زیادی دختر و پسر را آزار داده بود. حتی این ماجرا را دوستان مجتبی هم در بازپرسی مطرح کرده‌اند و هشت نفر از آنها شهادت داده‌اند. من در زندان فهمیدم مجازات قانونی مجرمی مانند مجتبی اعدام است.

از قتل پشیمان نیستی؟

نه. من از کشتن مجتبی پشیمان نیستم اما در زندان فهمیدم که بهتر بود خودم دست به کار نمی‌شدم و آن را به دست قانون می‌سپردم. من مجتبی را کشتم تا دختربچه دیگری قربانی نشود. هر کسی جای من بود همین کار را می‌کرد. مجتبی زندگی ما را نابود کرده بود. اگر او را نمی‌کشتم جرات می‌کرد بار دیگر هم سراغ دخترم بیاید و او را آزار دهد.

حالا دخترت در چه وضعیتی است؟

او به افسردگی مبتلا شده و همسرم هر هفته او را پیش روان‌پزشک می‌برد. این چهارمین روان‌پزشکی است که همسرم دخترم را برای درمان پیش او می‌برد. دخترم شب‌ها کابوس می‌بیند. هنوز هم وقتی عکس مجتبی را به او نشان می‌دهیم از ترس به گریه می‌افتد.

واقعه

قاتل کارگر مرغ‌فروشی تسلیم پلیس شد

فرهیختگان| «حسین» جوان ۲۲ ساله‌ای که در یک درگیری علی ۳۵ ساله را مورد اصابت ضربه چاقو از ناحیه چپ سینه قرار داده و به قتل رسانده بود، خودش را تسلیم پلیس کرد.

ساعت ۲۱ ششم بهمن امسال، وقوع نزاع در خیابان ناطقی به کلانتری ۱۰۹ بهارستان اعلام شد و با حضور مأموران کلانتری در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد فردی به نام علی ۳۵ ساله مورد اصابت ضربه چاقو از ناحیه چپ سینه قرار گرفته و به علت شدت ضربه و اصابت چاقو به عضو حیاتی بدن، فوت شده است.

در همان تحقیقات اولیه از شاهدان صحنه جنایت مشخص شد کارگر یک مغازه مرغ‌فروشی در خیابان ایران عامل این قتل است.

با شناسایی محل استراحت متهم به نام حسین در خیابان ایران، کارآگاهان به این محل مراجعه کردند و در تحقیقات خود متوجه شدند که او با پایان دوران خدمت سربازی در مغازه مرغ‌فروشی مشغول به‌کار شده است و در این مدت نیز بارها با مقتول اختلاف و درگیری داشته و در نهایت ششم بهمن او را به قتل رسانده و از تهران فرار کرده است.

همزمان با تحقیقات پلیسی در ساعت ۱۶ هشتم بهمن متهم با مراجعه به کلانتری باقرآباد قرچک، خودش را به پلیس تسلیم کرد. وی در همان تحقیقات اولیه صراحتا به اختلاف با مقتول و ارتکاب قتل اعتراف اما در ادامه تحقیقات، اظهارات متفاوتی را درباره انگیزه واقعی جنایت مطرح کرد.

گزارش

ابروی پرپشت معلم انگیزه دانش‌آموز ممتاز برای ساخت استیکرش شد

آزادی دانش‌آموز با رضایت معلم

فرناز استادنوبری| دختر ۱۶ ساله که استیکر معلمش را در تلگرام ساخته بود، در حالی از سوی پلیس فتا شناسایی و دستگیر شد که در همان روز با رضایت معلم آزاد شد. این دختر نوجوان انگیزه‌اش از این کار را پرپشت بودن ابروی معلم خود عنوان کرده است. حق‌بیان، معاون اجتماعی فرماندهی فتای استان خراسان رضوی، با تایید این خبر به «فرهیختگان» گفت: «این دانش‌آموز که از دانش‌آموزان ممتاز دبیرستان است با ساخت استیکرهای معلم پرورشی‌اش چهره او را دستمایه خنده همکلاسی‌های خود قرار داده بود.» معاون اجتماعی پلیس فتای استان خراسان رضوی همچنین گفت: «با تحقیقات انجام‌شده از سوی کارشناسان پلیس فتای این استان، همکاران ما توانستند عامل ساخت این استیکرها را شناسایی کنند.» حق‌بیان ادامه داد: «معلم پرورشی وقتی متوجه شد این اقدام از سوی این دانش‌آموز بوده او را بخشید و رضایت داد.»

جواد جهانشیری، رئیس‌پلیس فتای استان خراسان رضوی نیز با اشاره به این خبر گفت: «این دانش‌آموز نفر اول رشته خود در دبیرستان بوده و به گفته اولیای مدرسه از هوش خوبی برخوردار بوده است، اما در مواجهه با مستندات کشف شده به این کار اعتراف کرد.» رئیس‌پلیس فتای استان خراسان رضوی به افراد سودجو و کسانی که قصد دارند از فضای مجازی برای هتک حیثیت افراد استفاده کنند، هشدار داد: «مراقب رفتار خود در فضای مجازی باشید، چراکه هیچ حرکتی در فضای مجازی از سوی پلیس فتا پنهان نمی‌ماند.»

علی سعیدپور، جامعه‌شناس و فعال حوزه کودکان درباره اقدام این دانش‌آموز به «فرهیختگان» گفت: «در انتخاب معلم‌ها به‌ویژه معلم‌هایی مثل معلم پرورشی بنا بر این بوده که از چهره و پرستیژ خاصی برای معلمان پیروی شود تا نوجوان به جای گوش دادن به حرف فرد، ذهنش به ایراداتی که در نوع گفتمان، لحن یا چهره معلم وجود دارد معطوف نشود.» او همچنین ادامه داد: «همان‌طور که در انتخاب معلم‌های کلاس اول دبستان به‌شدت دقت می‌شود که قد بسیار کوتاهی نداشته باشند، لکنت زبان نداشته باشند و بتوانند حتما همه حروف الفبا را به خوبی بیان کنند، برای یک دانش‌آموز دبیرستانی نیز مهم است کسی که می‌خواهد به او مشاوره دهد و او را راهنمایی کند، دارای نکته خاصی در چهره و رفتارش نباشد که ذهن دانش‌آموز منحرف نشود.»

او همچنین گفت: «مثلا معلم پرورشی اگر در چهره‌اش تیک وجود داشته باشد قطعا باید در قسمت‌های دیگر فعالیت داشته باشد و برای مشاوره دادن به نوجوانان مناسب نیست زیرا دانش‌آموزان در سنی هستند که ایرادات واضح باعث پرت شدن حواس‌شان می‌شود و اقداماتی مثل ساختن استیکر نتیجه همین موضوع است.»

جدول کلمات متقاطع

۱۶۶۱

افقی

۱– مخروب– سهیم بودن ۲– کتاب مقدس زرتشتیان– زادگاه انیشتین– بلندمرتبه ۳– شتر بی‌کوهان– تکنولوژی– ذره باردار ۴– غذای بیمار– زمان معین– از حروف یونانی– آغاز و شروع ۵– گاز دستی خودرو– شکل و قیافه– دانه خوشبو ۶– جادو و افسون– گوسفند لاغر– گاز مرداب ۷– جامه خشن– یکجا جمع‌شده– پول خارجی ۸– سخن گفتن– سرگردان و دربدر– فاسد و ضایع ۹– کشور سعادتمند– خریدار– حشره سمی ۱۰– در دست راننده– ساده‌لوح– نصف ۱۱– زمینه– رقص نمایش– صبحانه نخورده ۱۲– اختراع مارکونی– لحظه کوتاه– خرمن– کشیدن ۱۳– لوس– درگاه– درنگ‌کردن ۱۴– زیرانداز قدیمی– تاج و کلاه پادشاهی– فیلمی از اصغر نعیمی ۱۵– گل کبودرنگ– ماده بالابرنده فشار خون

عمودی

۱– ظرفیت شیمیایی– مرتفع‌ترین آبشار اروپا در نروژ ۲– آرام و آهسته– فرمانروا– از اثرهای معروف نیما یوشیج ۳– درس‌کشیدنی– مفتخر و سرافراز– متـه ۴– پایتخت کانادا– دهان عرب– قرآن– کچل ندارد ۵– توان آخر– سهم– معالجه ۶– از اسمای حسنی به معنای گشاینده– میشی‌چشم– پرنده آش سرد کن ۷– رتبه‌بندی کاراته– خواندن قرآن– سروش غیبی ۸– فریاد بلند– چوب میخ‌دار قصابی– سازمان فضایی آمریکا ۹– موزه پاریس– کباب‌شده– بازی تخته ۱۰– حکم و دستور– سخن بیهوده– عجز ۱۱– سلول– تابناک– شهر ریشه ۱۲– درون– از حروف یونانی– عید ویتنامی‌ها– سرمه ۱۳– پرچم و بیرق– روشندل– نخست ۱۴– آغشته– مسابقات اتومبیلرانی– نگاتیو ۱۵– شبکه‌بندی– اسب ماده

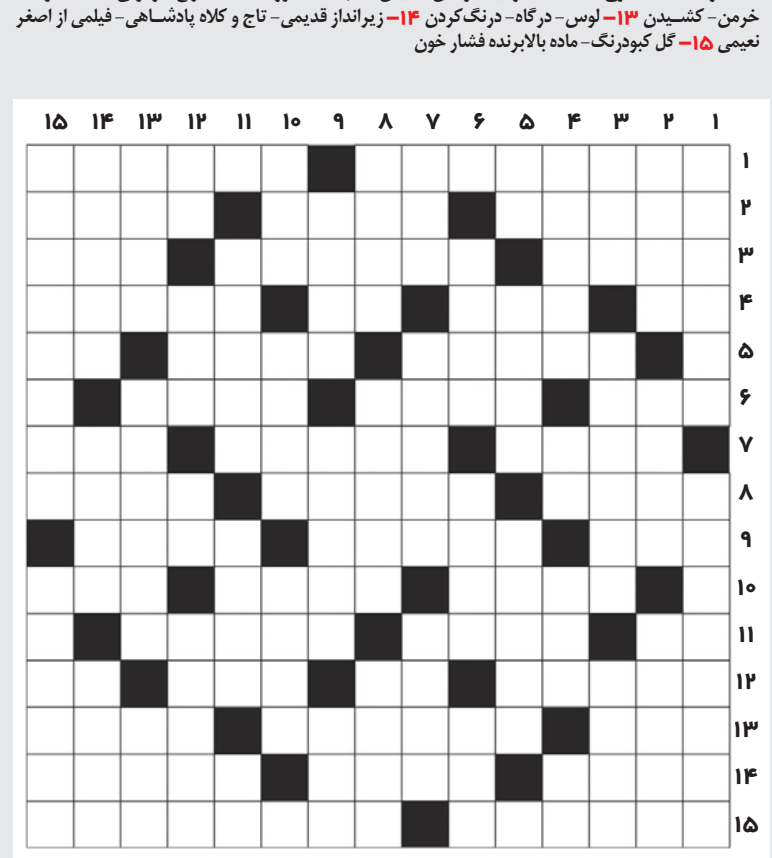

۱۶۶۰

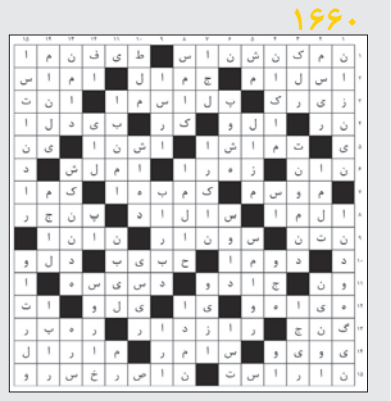

هزینه غذای هر سالمند در آسایشگاه خیریه کهریزک ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان است
سهم شما در تامین آن چقدر است؟

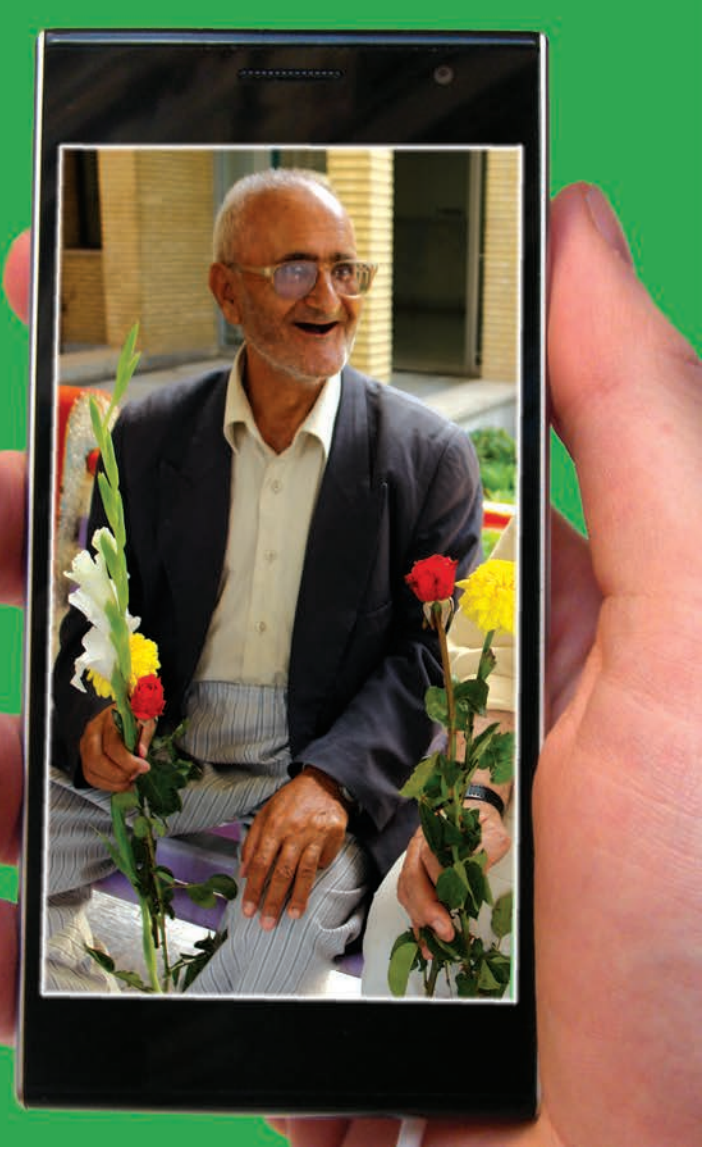

موسسه خیریه کهریزک
آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک استان تهران
مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان - غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی
آسایشگاه خیریه کهریزک
مشارکتهای مردمی: ۴۲۱۱۴
کمک آسان: #۴۴۴*۷۷۰*
www.kahrizak.com